

دی. ایچ. لارنس

ایل دورو

مسعود قاسمیان



فرهنگ جاوید

دی. ایچ. لارنس

۱۳۸۵ - ۱۳۸۶



فرهنگ جاوید

www.farhangejavid.com

سند: ۱۴۱۵۵۵۴۳۱ / تلفن: ۰۲۱۶۶۹۰۶۰۳۱



@farhangejavidpub



@farhangejavidpub



@farhangejavid

D. H. Lawrence,
Il Duro,
Penguin Books, 2015.

ایل دورو

ترجمه مسعود قاسمیان

دی. ایچ. لارنس

ناشر: انتشارات فرهنگ جاوید

مجموعه ادبیات

طراح انیفورم و صفحه آرا: احمد جاوید

مدیر هنری: محمد باقر جابری

چاپ اول: ۱۳۹۹

قیمت: ۱۰۰ تومان

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

© کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات فرهنگ جاوید محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن چه جزئی چه کلی (چاپ، فربس، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

Lawrence, D. H., 1885-1930.

لارنس، دی. ایچ. ۱۸۸۵-۱۹۳۰.

ایل دورو، دی. ایچ. لارنس، ترجمه مسعود قاسمیان، تهران، فرهنگ جاوید، ۱۳۹۹.

۱۱۵ ص (مجموعه ادبیات)

ISBN: 978-622-7004-05-2

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۰۴-۰۵-۲

Il Duro

عنوان اصلی

۱. سفرنامه ۲. خاطرات ۳. ایتالیا. قاسمیان، مسعود، ۱۳۴۹ - مترجم

۵۹۴۸۱۹۵ - ۸۲۳/۹۱۲

PZ۳

فهرست



۹	سخن مترجم
۱۹	سالشمار دی. ایچ. لارنس
۲۹	ریسنده و راهبان
۵۳	ایل دورو (سرسخت)
۶۷	جان
۸۵	موزه فلورانس
۹۵	مقدمه آنتنی برجس بر سفرنامه های لارنس
۱۰۰	از چاپ نشر وایکینگ (۱۹۷۲)
	حسب حال گونه

سخن مترجم



نه رمان، نه داستان، نه شایسته‌گرایی، نه سه راد در چهار جستار می‌خوانید با سبک و سیاق و طرز لارنسی. چنان‌که در انتهای کتاب پیش‌رو از زبان و قلم برجس هم نقل شده است این چهار را از دل سه سفرنامه گزینش کرده‌اند تا خواننده پس از به پایان بردن آن‌ها ستاب را زمین نگذاشته به سراغ اصل سفرنامه‌ها از انتشارات پنگوئن برود. کتاب را ناشر محترم، فرهنگ جاوید، از مجموعه 'کتابچه‌های سیاه و سفید' گزینش کرده و در پروژه‌ای برگزیده بود که مترجم از آن میان این اثر را انتخاب کرد. متن کتاب فقط شامل چهار فقره جستار است. برای مزید فایده آشنایی خواننده فارسی بر آن شدیم تا چکیده نگاه و بینش لارنس در این کتاب، سالشمار زندگی او، ترواش قلمی آنتنی برجس در شناساندن لارنس در سه سفرنامه نامبردارش، زندگی‌نامه خودنوشت مینیمال او و در نهایت یادداشت‌های مترجم بر فهم روشن‌تر کتاب را بیفزاییم. کتاب‌نامه نگارش این بخش و نیز پانویشت‌های متن را در انتهای 'سخن مترجم' برای پیگیری احتمالی مشتاقان به لارنس آورده‌ایم.

درباره نسخه‌ها

در خصوص متن این سه سفرنامه که از حیث متن‌شناسی و نسخه‌شناسی حائز اهمیت است باید دانست که شفق در ایتالیا به تصحیح پاول اِگرت^۱ در دانشگاه کیمبریج (۱۹۹۴) و دریا و ساردینیا به تصحیح مارا کالنینز^۲ در دانشگاه کیمبریج (۱۹۹۷) و کلیات مکان‌های اتروسکی و دیگر جُستارهای ایتالیایی به تصحیح سیمونتتا فیلیپس^۳ در دانشگاه کیمبریج (۱۹۹۲) صورت طبع یافته‌اند. در تمام این نسخه‌های تصحیح‌شده، تعلیقات و ملحقات و ضمیمه‌های لازم مرکب از انواع فهرست، واژه‌نامه، نقشه و مانند آن‌ها در انتها افزوده شده‌اند.

سفرنامه نخست، شفق در ایتالیا، حاوی چهار جُستار اصلی است: صلیب برفراز که هست، بر لاگودی گاردا [بر مرداب گاردا]؛ ایتالیایی‌ها در تبعید و سفر بازگشت. سفر دوم هم خود به هفت فقره بخش شده است: ریسنده و راه‌ها، باغستان لیمو، تیاتر، [کلیسای] سان گائودنسیو، رقص، ایل دورو و بان.

دومین سفرنامه، دریا و ساردینیا، شامل هشت جُستار است: تا پالرمو، دریا، کالیگاری، مَندس، به سوی سرگن، به سوی نوئرو، به سوی ترانوا و فامور.

کلیات مکان‌های اتروسکی سومین و آخرین سفرنامه است. خواننده در این سفرنامه هفت جُستار پیش چشم دارد: چروتی، ساردینیا، گورستان منقش تارکوئینیا ۱، گورستان منقش تارکوئینیا ۲، ووا، وولتر و موزه فلورانس.

1. Paul Eggert

2. Mara Kalnins

3. Simonetta de Filipps

نگاه و نگر لارنس

اغلب لارنس را یا هنرمندی دانسته‌اند که ایده‌های فلسفی او دست به تخریب رمان‌هایش زده‌اند یا او را فیلسوفی دیده‌اند که دست بر قضا ایده‌هایش سراز آثار ادبی او درآورده‌اند. البته هیچ‌یک از این دو دیدگاه وافی به مقصود نیست و از انصاف به دور است و نمی‌تواند یگانگی آن دو و پیچیدگی‌شان را در نگاه و نگر و بینش او تبیین کند. بی‌ایمانی، همین بس که بدانیم دی. ایچ. لارنس در مکتب فیدلفیا، عرآن، دمانتیک‌کی چون بلیک، کولریج و کارلایل می‌نشیند و در کنار همگان نهان‌بین و ژرف‌نگری چون نیچه، هراکلیتوس و یاکوب بوه‌سه بنای می‌گیرد. در چنین متنی است که می‌توان جایگاه او را در سنت شاعرانگی-پیام‌آوری با هم‌روزگاران‌ش الیوت و بیتس به مقایسه گذاشت و قابل‌نشانند. دو تن از منتقدان نامدار و استخواندار و پیش‌کسوت و متنفذ که این‌ها دار این دو طرز نگاه به لارنس با محوریت آثار و زندگانی‌اش بودند یکی جان میدلتن مری^۴ است و دیگری فرنک ریمند لیویس^۵. اجمالا تمام بگوییم که از نگاه میدلتن، لارنس به طبع به هیچ‌وجه هنرمند نیست. «او در اصل با هنر سروکار نداشت بلکه جوینده نسته‌و زندگی در رمان‌ها بود و جامع و گردآورنده رساله‌ای در اعتلای هنر.» در تعریض به این دید میدلتن، لیویس اصرار دارد که لارنس هنرمند است، «رمان‌نویس سترگ»، «ست‌رگ‌ترین هنرمندان، یکی از فحل‌ترین نویسندگان سنت ادبی انگلیسی که بی‌شبهه بر جریده عالم دوام و بقا خواهد داشت. می‌آید این دو منتقد متشخص و بلندآوازه نمی‌توان، جز بزرگی لارنس، وجه

۴. John Middleton Murry (۱۸۸۹-۱۹۵۷): نویسنده پُرکار و منتقد ادبی انگلیسی.

۵. F. R. Leavis (۱۸۹۵-۱۹۷۸): منتقد ادبی انگلیسی.

مشترک دیگری یافت. تأکید لیویس بر 'هوش تعالی نگر' اوست و از نویسنده در مقام منبع سرشار اخلاقیات ایجابی دفاع جانانه می‌کند؛ شوق او در کندوکاو در سرچشمه‌های هنری و زیبایی‌شناسانه انتظام کلی اثر هنری و آرمانش اثر هنری سراپا غیرشخصی‌ای است که از بیخ و بن از صاحب و خالق آن منفک و جدا شده باشد. از دیگر سو، مری نوشته‌ها و رمان‌های لارنس را به یک نسبت در شناخت اندیشه رمان‌درونی او واجد اهمیت می‌داند. لیویس عصای هارون را ضعیف‌ترین رمان لارنس به‌شمار می‌آورد که اندرزگویی‌های مستقیم و عربانه‌نمیش‌ته-در-متن-نوشته تباهش کرده است حال آن‌که مری از آن رمان‌ها بهترین را می‌بیند که در آن می‌توان ردّ ذات و طبع راستین لارنس را پدید گرفت.

با همه این اوصاف هیچ‌کدام از این دو گرایش حقّ مطلب را چنان‌که باید و شاید در خصوص کلیت آثار لارنس ادا نمی‌کند و هر یک نیمه‌ای از او را ترسیم می‌نماید. لیویس واقعیات بارز لارنس را به محاق می‌کشد؛ این‌که او بیشتر از هر رمان‌نویس ریز و درشت دیگر که نامش به ذهن بیاید هم‌خانم معروف نوشته‌های توصیفی و درانداختن دستگاہی فلسفه کرد. مری نیز به سهم خود وجه هنرمندبودن لارنس را نادیده گرفت. لیویس نیز بریضی به این نادیده‌انگاری مری از حکم شخصی خود لارنس می‌آورد که، «زبان و بیان هنریگانه‌زبان و بیان است.» آنچه در این میان حائز اهمیت فراوان است قدرت شگرف لارنس در بهره‌گیری از قوت خرد و تخیل است، قدرتی که موجب شده است حتی جُستارهای او نیز علی‌الخصوص در این چهار فقره رنگ روایت و بوی قصه و داستان به‌خود بگیرند.

شاید بتوان استعاره را نیرومندترین ابزار هنرمند برای تازاندن توسن

خیال دانست. به اعتقاد فیونا بکت، تفکر استعاری یکی از ابزارها و شیوه‌های شناخت دید و نگاه و نگر لارنس است. این رویکرد البته بر نگرش هایدگر بر زبان استوار است. عنوان متفکر-شاعر نیز برگرفته از مقاله‌ای از هایدگر تحت عنوان 'در اندریافت تفکر' و مبتنی بر این حکم اوست: «خصلت شاعرانه تفکر همچنان در حجاب مانده‌ست.»

مار فیونا بکت نه بررسی شاعری و شاعرانگی و شعریت لارنس یا مادیات استعاره‌ای آثار او که کنکاش در طرز بیان به غایت استعاری او در لب‌نظر است. دقیقاً در موضعی که خواننده انتظار مواجهه با استعاره ندارد، استعاره‌ای حضور دارد. اوج شکفتگی مزج میان زبان و تفکر در رمان‌های آن عابد و رنگین‌کمان به چشم می‌آید.

به زعم طرفداران سینه‌باز لارنس، او هر عیب و ایرادی که داشت متفکری خلاق و آفریننده بود و بر لحظه‌ای دریغ می‌خورد که، به گمان او، فلسفه و ادبیات داستانی و سادست متمایز و جدا از هم می‌شوند:

به گمان بنده اسفناک‌ترین لحظه در دنیا آن‌جایی بود که فلسفه و ادبیات از هم جدا ماندند. آن دو از روزگار ادب‌داری و سادوش هم پیش آمده بودند و به حق یکی بودند. آن وقت مانع از سادوشی پُر شکایت با هم متارکه کردند در کنار ارسطو و توماس آکوئیناس و آن کانت ناخلف. این شد که کار رمان به بی‌سروسامانی و سادوش فلسفه سراپا به تجرید کشید. این دو باید ضرورتاً در رمان بار دیگر تلاقی کنند. در نتیجه می‌توانیم به حقایق راستین و اسطوره‌های مدرن و مآلاً شیوه تازه‌ای از فهم دست پیدا کنیم (برگرفته از مقاله 'آینده رمان' در تحقیق در تامس هاردی و دیگر جستارها، ص. ۱۵۴).